

بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی موثر بر آن

محمد احمدی^{۱*} و علیرضا کلدی^۲

چکیده

امنیت یکی از مولفه‌های اساسی رفاه اجتماعی می باشد، و زنان به عنوان سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای، نقشی موثر در پیشبرد تعالی و اهداف جامعه دارند؛ این مهم جز با احساس امنیت آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد شد، لذا این پژوهش برآن است عوامل اجتماعی موثر بر احساس امنیت اجتماعی در میان زنان شهر سنندج را تبیین نماید. روش پژوهش، پیمایشی بوده، جامعه آماری زنان ۱۸ تا ۶۵ سال شهر سنندج هستند، از بین آن‌ها تعداد ۲۵۰ نفر نمونه انتخاب شد. یافته‌های توصیفی بیانگر احساس امنیت اجتماعی متوسط در بین زنان شهر سنندج است که برابر با ۳۱/۶۷ بود. یافته‌های تحلیلی حاکی از روابط معنادار بین امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان بوده و متغیرهای پایبندی مذهبی، پوشش مناسب، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رسانه‌های ارتباط فرهنگی، رابطه ای با احساس امنیت اجتماعی نشان ندادند. تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان داد به طور کلی متغیرهای پیش‌بین حدود ۳۰ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند. نتیجه این‌که مولفه های امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنندج رابطه دارند، هم‌چنین، وضعیت نامناسب اقتصادی، مزاحمت های خیابانی و همسر آزاری از مهم‌ترین دغدغه‌های بسیاری از زنان این شهر را تشکیل می دهد.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، حمایت اجتماعی، امنیت محل سکونت، پوشش مناسب.

۱- کارشناس ارشد رفاه اجتماعی و مدرس دانشگاه پیام نور واحد کامیاران.

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران. a.r.kaldi@uswr.ac.ir

*- نویسنده مسئول مقاله: Ahmadi_1357@yahoo.com

پیشگفتار

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه، سازمان‌ها و دولت می‌باشد که به طور مستمر در طول زندگی روزمره با این قلمروها روبه‌رو می‌شوند (Moller, 2000). چلبی (Chalabi, 2006) استدلال می‌کند در بعد ذهنی مراد از امنیت، احساس آرامش و یا عدم احساس تهدید و ترس ناشی از آن از سوی محیط‌های دور و نزدیک فرد است. امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان بشمار می‌رود، به گونه‌ای که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و نا آرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است، به طوری که مازلو (Maslow, 1996) نیز در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد (Kahe, 2005).

امنیت در بسیاری از متون مبنایی برای توسعه و پیشرفت بشمار می‌رود؛ از هابز (Hobbes, 2008) و گیدنز (Giddens, 2002) گرفته تا دیگران امنیت، منشاء توسعه، قلمداد شده است (Bumman, 2005).

احساس امنیت در گروه‌های اجتماعی گوناگون، حدت و گستره متفاوتی دارد. در رابطه با گروه هدف مورد مطالعه در این پژوهش، یعنی زنان باید گفت، تا زمانی که زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان‌های عمومی، خیابان و... امنیت نداشته باشند، مسلماً احساس آرامش نیز نخواهند کرد. پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و... همگی می‌توانند در احساس امنیت اجتماعی زنان موثر واقع شوند. امروزه با گسترش جوامع، افزایش تورم و هزینه‌های بالای زندگی، مشارکت زنان پا به پای مردان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی امری ضروری است، اما مسئله اشتغال زنان خود پیامدهای فراوانی را به همراه دارد که مهم‌ترین آن‌ها احساس عدم امنیت زنان در محیط کار است.

مسئله ای که بیش از هر چیز باعث نگرانی زنان و احساس عدم امنیت آن‌ها در محیط کار می‌شود، آزار جنسی است؛ آزار جنسی در محل کار می‌تواند به عنوان استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت بمنظور تحمیل خواسته‌های جنسی تعریف شود و ممکن است به شکل‌های گوناگونی بروز نماید. برای مثال به یک کارمند زن گفته می‌شود: «که یا به یک برخورد جنسی رضایت دهد یا اخراج شود» (Giddens, 2002).

با توجه به این‌که زنان نیمی از وزنه جمعیتی جامعه را به خود اختصاص داده اند و کشور ما هم در حال توسعه و ترقی است، بنابراین، پرداختن به مسایل زنان به عنوان سرمایه‌های اجتماعی و انسانی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه امروز ما می‌باشد. مشارکت و حضور زنان در بخش‌های

گوناگون جامعه این ضرورت را بیش از پیش بر ما آشکار می‌سازد. از سوی دیگر، اهمیت مسئله امنیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها به اندازه ای است که در صورت فقدان احساس امنیت، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید می‌شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می‌کنند بر اثر تداوم چنین شرایطی سرمایه اجتماعی رو به زوال می‌رود و در دراز مدت پیامدهای منفی بسیاری بر جامعه انسانی می‌گذارد. مسئله مطرح شده در این مطالعه از دو جنبه دارای اهمیت است: نخست این‌که، احساس امنیت اجتماعی در میان زنان شهر سنج بررسی نشده و دوم این‌که به شناسایی عوامل موثر اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی با رویکردی ترکیبی پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

احساس امنیت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با آسایش روانی و ذهنی انسان‌ها دارد و از مولفه‌های اصلی رفاه اجتماعی است و پژوهشگرانی در علوم انسانی و اجتماعی به مسئله احساس امنیت اجتماعی پرداخته و هر کدام از زاویه ای متفاوت آن را مورد بررسی قرار داده اند. استانکو (Stanko, 1992) در پژوهش‌های خود در جامعه امریکا در خصوص ترس از جرم به این نتایج دست یافته است که ترس از وقوع جرم در زنان (ترس از مورد تجاوز قرار گرفتن) سه برابر مردان است.

پژوهش بل (Bell, 1998) در استرالیا با عنوان زنان و امنیت اجتماعی، به این نتیجه رسیده است که زنان به طور عموم از مواردی نظیر بیرون رفتن در شب، موقعیت‌های ابتدایی و یا انتهای سفرهای حمل و نقل عمومی مثل منتظر ماندن در یک ایستگاه اتوبوس یا پیاده روی از یک ایستگاه به سمت ماشین پارک شده، استفاده از پارکینگ‌های مرکز شهر به ویژه در شب و بویژه اگر طبقاتی باشند، رانندگی تنها در شب، فضا‌های باز و حومه ای و زیر گذر ها و کوچه‌های بن بست واهمه دارند.

بررسی‌های جکسون (Jackson, 2004) در جامعه انگلیس با موضوع تبیین اجتماعی و فرهنگی ترس از جرم و جنایت، نشان داده است که دست‌کم، برخی جنبه‌های مفهوم آسیب پذیری می‌تواند سطوح متفاوت ترس از جرم و ناامنی را بین گروه‌های سنی و جنسیتی توضیح دهد. تاثیر جنسیت بر احساس ناامنی، به وسیله درجات گوناگون آسیب پذیری (کنترل، پیامد و ارزیابی خود از آسیب پذیری فیزیکی) و همچنین، ارزیابی‌های گوناگون پاسخ دهندگان از احتمال وقوع جرم (ارزیابی آن‌ها از احتمال وقوع جرم در سطح فردی و در سطح مقایسه ای با دیگران) تبیین شد.

در پژوهش‌هایی که در جامعه آمریکا با موضوع بررسی وضعیت پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده‌ها در احساس امنیت آن‌ها توسط رینوی و لآوری (Reno & Lavery, 2009)، انجام گرفته به گوناگونی نیازها و نگرانی‌های زنان در خانواده‌های طبقات پایین اشاره کرده و عمده نگرانی آن‌ها را در موقعیت‌های شغلی و اقتصادی ذکر کرده و این دغدغه و عدم امنیت در مادران منجر به عصبیت، افسردگی و بی‌خوابی و اختلال اجتماعی بیش‌تری می‌شود و حتی جدال‌های را بین همسران ایجاد می‌کند.

مطالعات بونتی و پاسکال (Bonnete & Pascal, 2007)، در جامعه فرانسه، با عنوان سنجش مقایسه‌ای میزان امنیت اجتماعی زنان و دختران در محله‌های شهر پاریس نشان می‌دهد زنان و دختران از زندگی کردن در مکان‌هایی که مطابق آمارهای رسمی جرم و ناامنی در آن‌ها زیاد است و به اسم محله‌های مسئله‌دار شناخته شده است در هراسند و نسبت به آن‌ها احساس ناامنی دارند.

بررسی‌هایی ویور (Weaver, 2010)، در آمریکا با موضوع تاثیر رابطه حمایت اجتماعی اطرافیان با میزان احساس امنیت اجتماعی نشان داده است که حمایت اجتماعی با احساس امنیت زنان در رابطه است، و زنانی که در خانواده خود مورد توجه همسر و حتی فرزندان خود هستند، احساس آرامش و امنیت بیش‌تری دارند و با شادی و نشاط بیش‌تر کارهای روزمره خود را پیگیری می‌نمایند.

در پژوهش‌های داخلی، بررسی‌های پژوهشگرانی همچون نبوی و همکاران (Nabavi et al, 2008) در شهر اهواز با موضوع بررسی تاثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، نشان داد که پایگاه اقتصادی- اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی در رابطه است، و هر چه طبقه اقتصادی- اجتماعی بالاتر باشد احساس امنیت بیش‌تر است و برعکس.

پژوهش‌های کامران و عبادتی (Kamran & Ebadati, 2009) در شهر تهران با عنوان بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های شهر تهران، نشان دادند که پایگاه اقتصادی- اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی در رابطه است و هر چه طبقه اقتصادی- اجتماعی بالاتر باشد احساس امنیت بیش‌تر است و برعکس، متغیر حمایت اجتماعی در بررسی آن‌ها تاثیر مستقیمی بر احساس امنیت اجتماعی زنان از خود نشان داده است و زنانی که مورد حمایت اطرافیان خود هستند، احساس آرامش و امنیت اجتماعی بیش‌تری دارند.

بررسی‌های نوروزی و فولادی سپهر (Naorozi & Foladi Spehr, 2009) با موضوع بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن؛ بیانگر این

بود که پایگاه اقتصادی- اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی در رابطه است، و هر چه طبقه اقتصادی- اجتماعی بالاتر باشد احساس امنیت بیشتر است و برعکس. در همین پژوهش محل سکونت بر امنیت اجتماعی خانواده اثرات موثر و معنی داری دارد و نیز این که متغیر پایبندی مذهبی تأثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی زنان داشته است.

پژوهش‌های ساروخانی و نویدنیا (Sarokhani & Navidnia, 2006) با موضوع امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، با بررسی‌های گوناگونی نشان داده اند که امنیت محله مسکونی بر امنیت اجتماعی خانواده اثرات موثر و معنی داری دارد، و نیز این که متغیر حمایت اجتماعی در پژوهش آن‌ها تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی بر احساس امنیت اجتماعی زنان از خود نشان داده است و زنانی که خانواده شان از آن‌ها حمایت می کنند، نسبت به زنانی که مورد حمایت خانواده خود نیستند یا کم‌تر مورد حمایت خانواده هستند، احساس آرامش و امنیت اجتماعی بیشتری دارند.

پژوهش امیرکافی (Amir Kafi, 2007) با یک مطالعه موردی در شهر تهران با موضوع بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن، نشان داده است که حمایت اجتماعی تأثیر مستقیمی بر احساس امنیت اجتماعی زنان از خود نشان داده است و زنانی که حمایت‌های عاطفی اطرافیان را کسب می کنند، احساس آرامش و امنیت اجتماعی بیشتری دارند.

در بررسی‌های احمدی و اسمعیلی (Ahmadi & Esmaeeli, 2008) با موضوع سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چند بعدی و میان رشته ای در شهر مشهد، متغیرهای استفاده از وسایل ارتباط فرهنگی و جمعی و نیز نگرش مثبت به حجاب و استفاده از پوشش مناسب در مکان‌های عمومی و جمعی رابطه معنی دار و مثبتی با احساس امنیت زنان داشته است، اما متغیر حمایت اجتماعی در پژوهش‌های آن‌ها بر خلاف سایر پژوهش‌های پژوهشگران دیگر در نقاط گوناگون کشور دارای رابطه معکوسی با احساس امنیت اجتماعی زنان و دختران بوده است.

در این پژوهش سعی بر آن است که تعداد بیشتری از متغیرهای اجتماعی با رویکردی ترکیبی، در کنار هم در نظر گرفته شوند.

چارچوب نظری پژوهش

در بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنندج، به لحاظ نظری با رویکردی اجتماعی، نظریه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است.

در باب نظریه های امنیت^۱ اجتماعی، باری بوزان (Buzan, 1996) از مکتب کپنهاگ^۲، برای نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولتها و هراس» به کار برد (Roe, 1996). امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی هایی اشاره دارد که براساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می کنند (Buzan & Weaver, 1998).

بوزان (Buzan, 1998)، نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می کند. او بیان می دارد که، مسئله امنیت در اجتماع شناخته می شود زیرا بازیگران می توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده ها را به عنوان تهدید نگاه کنند. به این ترتیب نگاه تاریخی به پدیده های اجتماعی و تأکید بر نقش هنجارها، قواعد و فرهنگ نیز در این دیدگاه مطرح می شود. چرا که آن ها بر این باورند که امنیت همیشه بر پایه ارجاع عینی نیست و ارتباط انسانی و نقش هنجارها (در تأمین امنیت) مهم و تأثیرگذار است (Abrahimi, 2007).

مولر (Moller, 2000) می گوید امنیت انسانی در پی تأمین ایمنی و اطمینان خاطر برای بشر در برابر گرسنگی و بیماری، همچنین تمام اشکال خشونت و کنش های منافی حرمت انسانی است که باعث اختلال یا نابودی حیات و بقای او می گردند (Navidnia, 2003).

ویور و بوزان (Buzan & Weaver, 1998) بر لزوم مشارکت افراد در تأمین امنیت اجتماعی خود و جامعه صحه گذارند (Roe, 2005).

در باب نظریه های جامعه شناسی کنترل اجتماعی^۳، والتر رکلس و همکارانش (Walter Reklis et al, 1996) بر این باورند که در برخی از بخش های جامعه بسیاری از مردم منحرف هستند، به این معنی که کنترل خارجی برای مقابله با انگیزه رفتار انحرافی به اندازه کافی نیرومند نیست. همچنین، آن ها علل زیرساز بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی را احساس امنیت اقلشار جامعه می دانند و بر این باورند که رفتارهای معطوف به احساس ایمنی بیش تر زاییده امنیت، محیط های زندگی است (Sherazian, 2004).

زیگموند فروید (Sigmund Freud, 1922) و دیوید ریزمن (David Reisman, 1963) معتقدند که انسان ها دارای سیستم کنترل درونی هستند که انسان ها را از کارهای نامشروع باز می دارند. یکی از مهم ترین این عوامل، مذهب است. اگر پایبندی های مذهبی اعضای یک جامعه قوی باشد، انسان ها کم تر به سوی کارهای نامشروع خواهند رفت و خود را به طور درونی کنترل خواهند نمود (Rafe pour, 2008).

¹ -Theories of Social Security

² - Copenhagen School

³ - Theories of Social control

استارک و همکاران (stark et al, 1982) اثر بازدارندگی دینداری را در ارتکاب جرایم اثبات کرده اند که دین به عنوان حفاظی در برابر جرم و بزه عمل می نماید (Mohebbi, 2001). بر اساس نظریه نظم اجتماعی^۱ چلبی (Chalabi, 1996)، در صورتی که به هر دلیل روابط گرم در عرض جامعه به سردی گراید و احساس تعلق افراد به جمع سست شود، به همان نسبت نیز اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می شوند. در بعد حمایت اجتماعی، کاهش چگالی و فراوانی روابط حمایتی بین گروهی را می توان نوعی اختلال رابطه ها تلقی نمود. منظور از روابط حمایتی اجتماعی، روابط و مبادلات نامتقارن گرم در شئون گوناگون زندگی اجتماعی است. اختلال رابطه ای، افراد را در مقابل شداید اجتماعی آسیب پذیر می سازد. عدم امکان ارتباط منطقی و مشروع در سطوح جامعه منجر به احساس بی یابوری و عجز می شود که این امر زمینه مناسبی برای احساس ناامنی و ترس فراهم می سازد.

در باب نظریه های پایگاه اقتصادی - اجتماعی^۲ ریچ وی و جانسون (Ridgeway & Johnson, 1996) معتقدند هرچه پایگاه انسان در یک گروه اجتماعی بالاتر باشد، میزان ابراز احساسات منفی در پی نارضایتی و عدم موافقت با رویدادهای درون گروه کاهش می یابد و این احساس نارضایتی را کم تر ابراز می نماید؛ گاه بمنظور حفظ همبستگی گروهی و گاه برای حفظ موقعیت خود، در صورتی که در مورد احساسات مثبت این طور نیست، یعنی اگر فردی در یک گروه اجتماعی، در پایگاه بالایی باشد، احساس مثبت خود را از وقایعی که موجب رضایت او می شود ابراز می کند (Rafe pour, 1996).

به این ترتیب هرچه پایگاه افراد در یک جامعه افزایش یابد، امکان دستیابی آن ها به امکانات و خدمات گوناگون آموزشی، بهداشتی، رفاهی و غیره نیز افزایش می یابد و در نتیجه احساس تعلق و خشنودی نسبت به جامعه داشته و دلبستگی میان آن ها تقویت خواهد شد، و هر چه احساس فرد از زندگی رضامندانه تر باشد، به همان میزان نیز احساس امنیت را تجربه خواهد کرد و قادر به تولید آن نیز خواهد بود.

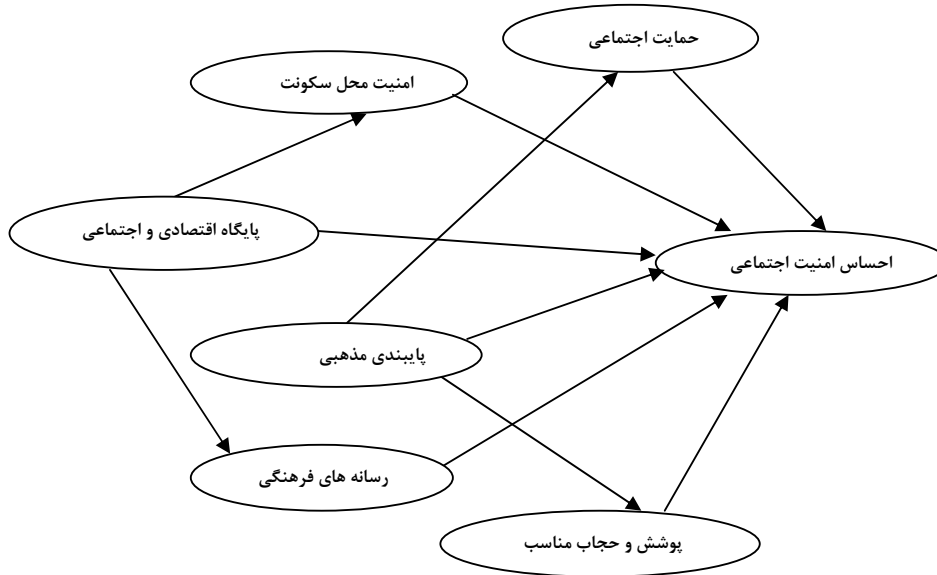
مدل نظری

در مدل نظری پژوهش سعی شده است تا ترکیبی از دیدگاههای جامعه شناسان مکتب کپنهاگ بویژه بوزان (Buzan, 1998)، مولر (Moller, 2000)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی ریچ وی و جانسون (Ridgeway & Johnson, 1996)، نظم اجتماعی چلبی (Chalabi, 1996)، کنترل اجتماعی والتر

1- Theories of Social order

2- Theories of socio-economic status

رکلس والتر رکلس (Walter Reklis, 1996)، آورده شود که هرکدام از جنبه‌های احساس امنیت اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند. در مدل فرضی (شکل ۱) با توجه به مطالعات زمینه‌ای پیش شروع از پژوهش در میان زنان شهر سنندج، به نظر می‌رسید که بین متغیرهای مستقل و وابسته و خود متغیرهای مستقل هم روابطی برقرار باشد که درستی این روابط و فرضیه‌ها پس از گردآوری نتایج در مدل تحلیلی خواهد آمد.



شکل ۱- مدل فرضی پژوهش

لذا، جهت دستیابی به اهداف پژوهش و با توجه به چهار چوب نظری موجود، فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردد.

- بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین میزان حمایت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین امنیت محل سکونت و احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین استفاده از پوشش مناسب و احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنندج رابطه وجود دارد.
- بین میزان پابندی مذهبی و احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنندج رابطه وجود دارد.

- بین استفاده از رسانه‌های فرهنگی و احساس امنیت اجتماعی زنان شهر سنندج رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعه توصیفی، مقطعی و با طرح همبستگی می باشد که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. در این پژوهش، احساس امنیت اجتماعی متغیر وابسته و متغیرهای مستقل شامل پایگاه اقتصادی- اجتماعی، پایبندی مذهبی، امنیت محل سکونت، حمایت اجتماعی، پوشش مناسب و استفاده از رسانه های فرهنگی می باشند.

ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود که جهت سنجش روایی پرسشنامه، از روش اعتبار محتوی (صوری) و به عبارتی نظرات اساتید دانشگاه و برخی از کارشناسان استفاده شد. بمنظور سنجش پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین معنی که ابتدا یک پیش آزمون اجرا شد که طی آن از ۳۰ نفر از زنان در شهر سنندج مصاحبه انجام گرفت. پس از جمع آوری پرسشنامه‌های پیش آزمون، ضریب آلفای کرونباخ که جهت سنجش سازگاری درونی گویه‌ها استفاده می‌شود، محاسبه شد که مقدار این ضریب برای همه متغیرها بالای ۰/۷۰ به دست آمد که حاکی از پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری می‌باشد.

جامعه آماری این پژوهش برابر با جمعیت زنان واقع در سنین ۶۵-۱۸ سال ساکن در شهر سنندج بودند که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد آن‌ها برابر با ۱۰۲۶۵۳ نفر بوده است. حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران برابر با ۲۵۰ نفر محاسبه گردید. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. به این ترتیب در ابتدا کلیه مناطق شهر سنندج در نظر گرفته شده و از بین آن‌ها چند منطقه به صورت تصادفی انتخاب و در هر منطقه بلوکی به طور تصادفی انتخاب شدند. در هر بلوک نیز، کلیه منازل تا تکمیل همه پرسشنامه‌ها مورد مراجعه قرار گرفتند. هم‌چنین، در هر منزل از بین زنان ۶۵-۱۸ سال آن منزل، با روش تصادفی ساده یک نفر انتخاب و با او مصاحبه شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان پژوهش شامل: سن، وضعیت تاهل، وضعیت تحصیلات و وضعیت اشتغال می باشد که ابعاد و فراوانی هر یک در (جدول ۱) آورده شده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد	
گروه سنی	۱۸-۲۷	۱۱۱	۴۴/۴	
	۲۸-۳۷	۷۳	۲۹/۲	
	۳۸-۴۷	۳۲	۱۲/۸	
	۴۸-۵۷	۲۴	۹/۶	
	۵۸-۶۵	۱۰	۴	
وضعیت تاهل	مجرد	۹۹	۳۹/۶	
	متاهل	۱۱۱	۴۴/۴	
وضعیت تحصیلات	مطلقه/ بیوه	۴۰	۱۶	
	بی سواد	۱۴	۵/۶	
	ابتدایی	۱۸	۷/۲	
	راهنمایی	۲۵	۱۰	
	متوسطه	۹۱	۳۶/۴	
	کارشناسی	۸۳	۳۳/۲	
	کارشناسی ارشد	۱۵	۶	
	دکتری	۴	۱/۶	
	وضعیت اشتغال	شاغل	۵۷	۲۲/۸
		بیکار	۴۷	۱۸/۸
خانه دار		۹۴	۳۷/۶	
	دانشجو	۵۲	۲۰/۸	

در این پژوهش بیش‌ترین پاسخگویان در گروه سنی ۱۸ تا ۲۷ سال قرار دارند، اغلب پاسخگویان پژوهش متاهل و از لحاظ تحصیلات هم در سطح متوسطه و کارشناسی بوده اند و هم‌چنین، از لحاظ شغلی بیش‌ترین پاسخگویان پژوهش را زنان خانه دار تشکیل می‌دهند.

سنجش وضعیت متغیرهای وابسته و مستقل

توزیع میانگین متغیرهای مستقل (پایگاه اقتصادی- اجتماعی، حمایت اجتماعی و...) و نیز متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) در میان زنان شهر سنندج.

جدول ۲- توزیع میانگین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیر	تعداد پاسخگو	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
احساس امنیت اجتماعی	۲۵۰	۳۱/۶۷	۱۳	۴۹	۷/۲۳۴
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۲۵۰	۷/۴۶	۲	۱۴	۲/۸۹۲
حمایت اجتماعی	۲۵۰	۲۷/۷۴	۱۴	۳۰	۴/۲۴۰
امنیت محل سکونت	۲۵۰	۱۶/۲۳	۵	۳۰	۶/۹۴۶
پایبندی مذهبی	۲۵۰	۲۹/۶۰	۱۶	۳۰	۴/۶۰۶
پوشش مناسب	۲۵۰	۱۸/۹۴	۱۱	۲۵	۳/۴۶۴
استفاده از وسایل	۲۵۰	۱۷/۳۴	۹	۲۴	۳/۴۴۶

نتایج این پژوهش نشان می دهد که زنان و دختران شهر سمنان احساس امنیت اجتماعی متوسطی می کنند و پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنها در سطح متوسطی قرار دارد و از حمایت اجتماعی خیلی زیادی برخوردار می باشند. میزان استفاده پاسخگویان از وسایل ارتباط فرهنگی (تلفن، تلویزیون، روزنامه و مجله) در سطح زیادی بوده است و همچنین، در محل مسکونی خود در سطح متوسطی احساس امنیت می کنند. میزان پایبندی مذهبی پاسخگویان این پژوهش در سطح خیلی زیادی بوده است و نیز این که در سطح نسبتاً زیادی دارای پوشش مناسب بوده اند (جدول ۲).

یافته‌های تحلیلی

آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش در میان زنان شهر سنندج

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته

احساس امنیت اجتماعی			متغیر وابسته
تعداد	مقدار	ضریب	متغیرهای مستقل
(n)	احتمال (P)	همبستگی (r)	
۲۵۰	۰/۹۵۰	۰/۱۰۶	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۳۹۹	حمایت اجتماعی
۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۵۰۲	امنیت محل سکونت
۲۵۰	۰/۳۴۲	۰/۰۶۰	پوشش مناسب
۲۵۰	۰/۰۸۶	۰/۱۰۹	پایبندی مذهبی
۲۵۰	۰/۱۳۱	۰/۹۶۰	رسانه های فرهنگی

نتایج آزمون همبستگی (جدول ۳) بین متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی در بین

زنان شهر سنندج، حاکی از نتایج زیر بود:

۱- هیچ‌گونه رابطه‌ای بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در

شهر سنندج بدست نیامد و فرضیه در اینجا رد می‌شود ($r= 0/106$, $p= 0/095$).

۲- رابطه معنادار و مثبتی بین حمایت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر

سنندج وجود دارد و هر چه میزان حمایت اجتماعی بالاتر باشد زنان احساس امنیت بیشتری

می‌کنند و فرضیه تأیید می‌شود ($r= 0/399$, $p= 0/000$).

۳- بین امنیت محل سکونت و احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج رابطه معنادار و

مثبتی بدست آمد و هر چه امنیت محله مسکونی بیشتر باشد زنان احساس امنیت بیشتری

می‌کنند و فرضیه تأیید می‌شود ($r= 0/502$, $p= 0/000$).

۴- رابطه معناداری بین پوشش مناسب و احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج

وجود ندارد و فرضیه در اینجا رد می‌شود ($r= 0/060$, $p= 0/342$).

۵- بین پایبندی مذهبی و احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج رابطه معناداری

وجود ندارد و فرضیه در اینجا رد می‌شود ($r= 0/109$, $p= 0/086$).

۶- هیچ‌گونه رابطه‌ای بین استفاده از رسانه‌های ارتباط فرهنگی و احساس امنیت اجتماعی

زنان در شهر سنندج وجود ندارد و فرضیه در اینجا رد می‌شود ($r= 0/96$, $p= 0/131$).

جدول ۴- تحلیل واریانس احساس امنیت اجتماعی زنان در محله های شهر سنندج

مدل	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig
بین گروهی	۱۳۶۲/۳۳۶	۵	۲۷۲/۴۶۷	۵/۶۹۸	۰/۰۰۰
داخل گروهی	۱۱۶۶۶/۷۶۸	۲۴۴	۴۷/۸۱۵	-	-
جمع	۱۳۰۲۹/۱۰۴	۲۴۹	-	-	-

جدول ۵- توزیع میانگین احساس امنیت اجتماعی زنان در محله های شهر سنندج

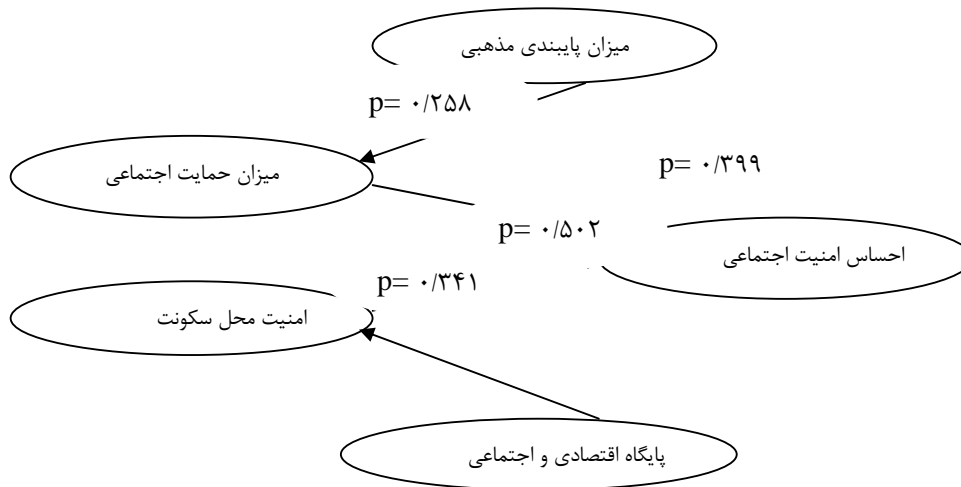
محله	تعداد پاسخگو	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	کمینه	بیشینه
شالمان	۴۲	۳۵/۹۵	۵/۴۰۵	۰/۸۳۴	۲۵	۴۶
بهاران	۴۲	۳۳/۲۶	۷/۴۶۱	۱/۱۵۱	۱۸	۴۵
مبارک آباد	۴۱	۳۱/۳۷	۸/۰۱۸	۱/۲۵۲	۱۶	۴۹
نای سر	۴۱	۳۰/۶۱	۵/۱۶۷	۰/۸۰۷	۱۶	۴۴
تق تقان	۴۲	۲۹/۶۴	۶/۴۵۴	۰/۹۹۶	۱۳	۴۳
عباس آباد	۴۲	۲۹/۱۷	۸/۳۲۳	۱/۲۸۴	۱۳	۴۶
مجموع	۲۵۰	۳۱/۶۷	۷/۲۳۴	۰/۴۵۷	۱۳	۴۹

پیرامون احساس امنیت اجتماعی زنان در محله های مسکونی، داده های حاصل از آزمون تحلیل واریانس (جدول ۴) بیانگر این است که تفاوت میانگین احساس امنیت در محله های شهر سنندج معنی دار است و آزمون تعقیبی توکی نشان داد که تفاوتی معنی دار بین احساس امنیت زنان محله شالمان با محله های عباس آباد، تق تقان و نای سر وجود دارد. در ضمن، مقایسه میانگین ها (جدول ۵) نشان می دهد که زنان ساکن در محله های شالمان و بهاران، شهر سنندج احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به محله های دیگر دارند، اما زنان محلات عباس آباد، تق تقان و نای سر احساس امنیت کمتری دارند.

جدول ۶- نتایج و ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل موثر بر میزان احساس

امنیت اجتماعی					
مستقل	متغیر های	مقدار b	مقدار Beta	مقدار S.E	مقدار t
مقدار sig					
مقدار ثابت		۲۷/۶۸۹	--	۲/۹۱۶	۹/۴۹۵
حمایت اجتماعی		۰/۴۱۸	۰/۲۴۵	۰/۰۹۲	۴/۵۳۵
امنیت محل سکونت		۰/۴۷۰	۰/۴۵۱	۰/۰۵۶	۸/۳۴۴
		F=۵۵/۴۱	R ² Adjusted=۰/۳۰۴		R ² =۰/۳۱
		P<۰/۰۱	R=۰/۵۵۷		

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل موثر بر میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر سنندج بیانگر این است که از بین شش متغیر پیش‌بین مورد بررسی، تنها دو متغیر امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی اثر معناداری بر احساس امنیت زنان در شهر سنندج داشته و سایر متغیرها یعنی پایگاه اقتصادی و اجتماعی، پایبندی مذهبی، پوشش و حجاب مناسب و رسانه‌های ارتباط فرهنگی فاقد تأثیر معناداری بر احساس امنیت اجتماعی زنان بودند. از سوی دیگر، دو متغیر امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی حدود ۳۰ درصد از واریانس متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج را تبیین نموده‌اند (جدول ۶).



شکل ۲- مدل تحلیلی مسیر عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج

نتایج تحلیلی مسیر عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر سنندج نشان می‌دهد که متغیرهای امنیت محل سکونت، حمایت اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، پایبندی مذهبی به ترتیب بیش‌ترین تأثیر را بر روی احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر سنندج دارند. از طرفی، برخی از این متغیرها به‌صورت مستقیم، برخی به‌صورت غیرمستقیم و برخی هم به‌صورت هم مستقیم و هم غیرمستقیم بر احساس امنیت زنان تأثیر می‌نهند. دو متغیر محل سکونت ($Beta=0,502$; $P<0,01$) و حمایت اجتماعی ($Beta=0,399$; $P<0,01$) تأثیر مستقیمی بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند اما دو متغیر پایبندی مذهبی با تأثیر بر روی متغیر حمایت اجتماعی ($Beta=0,258$; $P<0,01$) و همچنین متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی با تأثیر بر روی امنیت محل سکونت ($Beta=0,341$; $P<0,01$) به‌صورت غیرمستقیم بر احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج تأثیر می‌گذارد (شکل ۲).

بحث و نتیجه گیری

از جانب نظریه پردازان گیمنشافت، صحبت از شبکه های غیررسمی می‌شود که تعامل نزدیک با خویشاوندان، دوستان و گروهها احساس یکی بودن را ایجاد می‌نماید و نیز چلبی (Chalabi, 2006) هم در نظریه نظم اجتماعی در بعد حمایت اجتماعی، افزایش چگالی و فراوانی روابط حمایتی، گرم بین گروهی را باعث همبستگی عاطفی و احساس امنیت می‌داند.

در این پژوهش زنان و دخترانی که خانواده‌هایشان برای بهتر شدن وضعیت‌شان تلاش می‌کنند و آن‌ها را از کمک‌های مادی و عاطفی خود در مواقع ضروری در زندگی به‌رمنند می‌سازند از احساس امنیت بالایی برخوردار بودند. در سطح فراتر از خانواده هم پاسخگویانی که معتقد بودند کمک و یاری آشنایان، همسایه‌ها و حتی سایر مردم را در زمانی که مشکلی برایشان پیش بیاید (مثلاً اگر در خیابان مورد مزاحمت افراد ولگرد قرار بگیرند) دریافت می‌کنند، دارای احساس امنیت بالایی بودند و این نتایج در تایید مطالعات: ویور (Weaver, 2010) در جامعه آمریکا، کامران و عبادتی (Kamran & Ebadati, 2009) در تهران، امیر کافی (Amir Kafi, 2007) در تهران، اما در پژوهش احمدی و اسمعیلی (Ahmadi & Esmaeeli, 2008) در مشهد رابطه معنادار منفی و معکوس بدست آمد.

والتر رکلس و همکارانش (Walter Reklis et al, 1996) از مکتب کنترل اجتماعی معتقدند که در برخی از بخش‌های جامعه بسیاری از مردم منحرف هستند و رفتارهای معطوف به احساس ایمنی بیش‌تر زاینده امنیت محیط‌های زندگی است.

در این پژوهش محله‌های شالمان و بهاران، زنان احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری نسبت به زنان سایر محله‌ها دارند، اما زنان در محله‌های عباس آباد، تق تقان و نای سر، احساس امنیت کم‌تری می‌کنند و در مصاحبه‌های کیفی هم عنوان می‌کردند که محله‌های ما تبدیل به مرکزی برای خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی شده و متاسفانه خیلی از زنان و دختران جوان این خانواده‌ها به فساد کشیده می‌شوند و خانه‌های آن‌ها تبدیل به مکانی برای خودفروشی زنان و خانه‌های تیمی می‌شود، اما نکته مهم این‌جاست که در این محله‌ها خانواده‌های محترمی هم وجود دارند که توان اقتصادی بالایی ندارند و نمی‌توانند در مناطق دیگر شهر سنندج خانه بخرند و یا اجاره کنند و مجبورند در این محله‌ها زندگی کنند و زنان این قبیل خانواده‌ها عاجزانه اظهار می‌کردند که متاسفانه در هنگام تردد در کوچه و محله خیلی اوقات دختران جوان ما مورد اذیت کلامی و بدنی افراد بزهکار قرار می‌گیرند و این افراد باعث شده‌اند در میان مردم شهر از محله‌های ما با اسم و رسم مناسبی یاد نشود و در برخوردهای اجتماعی باید مدام با خجالت و استرس و نگرانی از محله‌های خود نام ببریم و نگران این باشیم که در اجتماع به ما با دیده منفی ننگرند. بنابراین، هر چه امنیت محل مسکونی بیش‌تر باشد، زنان احساس امنیت اجتماعی بیش‌تری می‌کنند و برعکس؛ در نتیجه، فرضیه تایید می‌شود و نتایج در تایید پژوهش‌های بونتی و پاسکال (Bonnete & Pascal, 2007) در جامعه فرانسه، ساروخانی و نویدنیا (Sarokhani & Navidnia, 2006) در تهران، نوروزی و فولادی سپهر (Naorozi & Foladi Spehr, 2009) در تهران می‌باشد.

البته، در این پژوهش رابطه‌ای بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی- اجتماعی، پایبندی مذهبی، پوشش مناسب و رسانه‌های ارتباط فرهنگی با احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج بدست نیامد، فرضیه‌های ذی ربط مورد پذیرش واقع نشدند و نتایج خلاف مطالعاتی است که در سایر نقاط کشور صورت گرفته که از جمله آن‌ها: مطالعات نوروزی و فولادی سپهر (Naorozi & Foladi Spehr, 2009) در تهران، نبوی و همکاران (Nabavi et al, 2008) در اهواز، کامران و عبادتی (Kamran & Ebadati, 2009) در تهران و احمدی و اسمعیلی (Ahmadi & Esmaeeli, 2008) در مشهد است که هر کدام از آن‌ها نقش برخی از این متغیرها را از عوامل تاثیر گذار بر احساس امنیت افراد ذکر کرده‌اند.

اما نتایج کیفی مصاحبه‌ها بیانگر حقایق دیگری است، از مسائلی که به عنوان پایه و اساس خیلی از نگرانی‌ها توسط پاسخگویان بویژه مادران و دختران جوان تحصیل کرده و بیکار عنوان می‌شد، وضعیت بد اقتصادی و سطح پایین درآمد خیلی از خانواده‌های ساکن در محله‌های عباس آباد، نای سر و تق تقان بود که فردای مطمئنی را برای آن‌ها رقم نخواهد زد. دغدغه

بسیاری از دختران جوان فراهم نبودن شرایط مناسب برای ازدواج و استرس ناشی از تاخیر در آن است. تعداد زیادی از پاسخگویان گسترش لباس‌های تنگ، چسبیده و بدنما را عاملی در ایجاد مزاحمت و افزایش فساد اجتماعی و بی بند و باری ذکر کرده اند.

نتایج مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهند که مزاحمت‌های خیابانی در رأس هرم مسائلی هستند که امنیت اجتماعی دختران و زنان جوان را سلب می‌کنند. اغلب آن‌ها عنوان می‌کردند متاسفانه در هنگام تردد در خیابان و بازار (بویژه خیابان‌های منتهی به میدان اقبال، سیروس، فردوسی، شاهپور و نیز بازار سرپوشیده و سنتی داخل گذر) و حتی کوچه و محله پسران و مردان جوان با نگاه‌های معنی‌دار و شهوت‌آمیز احساس امنیت را از وجود آدم می‌گیرند و بدتر از این؛ خیلی از آن‌ها به تربیت و اخلاق اجتماعی پایبند نیستند و به خود اجازه می‌دهند به حریم شخصی دیگران تجاوز کنند و با متلک‌های رکیک و زننده و لمس اعضای بدن زنان و دختران آرامش روانی را آن‌ها به هم بزنند.

در تکمیل مطالب بالا بسیاری از زنان و دختران اظهار می‌داشتند که متاسفانه دیدگاه لذت‌گرایی بر جامعه حاکم شده که اغلب به جنس زن به عنوان وسیله کام‌جویی نگاه می‌شود و هر جا که پا می‌گذاری همه در پی فرصتی هستند که با آدم رابطه برقرار کنند حتی متاسفانه این مسائل به خیلی از مکان‌های رسمی و اداری هم کشیده شده (خانم جوان ۲۸ ساله‌ای اظهار می‌داشتند که برای انجام کاری به یکی از سازمان‌های دولتی مراجعه کرده بودم که از نگهبان دم‌درگرفته تا کارمندان بالای آن اداره می‌خواستند به من شماره بدهند و ارتباط داشته باشند)، همسر آزاری هم در جای خود یکی از معضلاتی بود که بسیاری از پاسخگویان این پژوهش به آن اشاره نمودند. یکی از نگرانی‌های زنان بالای ۵۵ سال در این پژوهش، استرس و ترس ناشی از تنهایی در سال‌های پایانی زندگی بود.

در این پژوهش بسیاری از پاسخگویان بر این باور بودند که امنیت زنان این روزها افزایش یافته و دلایلی همچون: افزایش فرصت‌های تحصیلی و شغلی و مستقل شدن از لحاظ اقتصادی، افزایش امکانات بهداشتی و رفاهی مخصوص زنان، افزایش آگاهی در جامعه بویژه در میان قشر تحصیل کرده به تساوی حقوق زن و مرد و نیز برخورد مناسب نیروی انتظامی با عاملان ناآرامی در جامعه را ذکر کرده اند.

References

- 1- Ahmadi, y. and Esmaeeli, A. (1998), "the study of the safty feeling based on multimensional factors in women Mashhad", practical sociology- Research-science magazine, No 38, Esfahan University. (Persian).

- 2- Amir Kafi, M. (2009), "the study of safety feeling its effecting role (case study: the city of Tehran)" , sociology research periodical, No 1, Tehran. (Persian).
- 3- Bell, W. (1998), "Women and community safety". Bell Planning Associates South Australia, No 32: 1-26.
- 4- Bonnete, Carole, Sophie Buffeteau, and Pascal Godefroy (2007), "Effects of Security Location on Social Security in France." Population 61(1): 41-70.
- 5- Bumman, S. (2005), "buoyant love: on the impermanence of human relations" , Trans: Erfan sabeti, Tehran: Goghnos. (Persian).
- 6- Buzan, B. Weaver, O. (1998), "Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan", Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- 7- Chalabi, M. (2006), "towards the general viws of social abnormality" , Tehran: Nashre Nai. (Persian).
- 8- Chalabi, M. (1996), "sociology of order: the explanation and interpretation of social order", Tehran: Nashre Nai. (Persian).
- 9- Ebrahimi, N. (2007), " Thinking on the base and culture of Copenhagen school" ,Tehran, Foreign political periditcal, No, 2. (Persian).
- 10- Giddens, A. (2002), sociology, Trans: Manocher Sabouri, Nashr nai, vol 7. (Persian).
- 11- Jackson, J. (2004), "Experience and expression. Social and cultural significance in the fear of crime", in The British Journal of Criminology, 44: 946- 966.
- 12- Kahe, A. (2005), "the article series of social safety festival" , vol, 1, Tehran, Gole poneh press. (Persian).
- 13- Kamran, F. and Ebatati Nazarlo, S. (2009), "the survey of economical-social factors on peace feeling and social safety of woman: M.A. Students sociology in Tehran University" , Social reseaech magazine, 3 rd year, No 6. (Persian).
- 14- Mohebbi, S. F. (2001), "the pathology of the woman in society" , ketab zanan magazine, No14, pages 6-19. Tehran: cultural and social council of woman. (Persian).
- 15- Moller, B. (2000), National, Societal and Human Security Discussion case study.
- 16- Nabavi, S. A. et al (2008), "the survey of economical and social factors on social safety feeling of Ahvaz residents" , practical sociology of research and science magazine, No 4, 1389 winter. (Persian).
- 17- Navidnia, M. (2003), "An introduction social safety Motaleat Rahbord magazine, 6 th year, No 19. (Persian).

- 18- Noruzi, F. and Folladi Sepehr, S. (2009), "the study of social safety feeling of woman and effective social rol in it" Rahbord magazine, 18 th year, No53, pages 129- 159. (Persian).
- 19- Rafie, F. (1998), "anomie or social disorder, the studi on potential prepration of anomie in the city of Tehran" , Tehran: soroush press. (Persian).
- 20- Rafie, F. (1996), "society, sense and music", Tehran: Enteshera cooperation, first series. (Persian).
- 21- Reno, Virginia P. and Joni, L. (2009), Economic Crisis Fuels Support for Social Security: Americans' Views on Social Security, August. ©National Academy of Social Insurance. ISBN: 1-884902-53-7.
- 22- Roe, P. (1996), "The Societal Security Dilemma" Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- 23- Roe, P. (2005), Securitized & minority rights: conditions of desecuritization, central European University, Budapest, Hungary/www.sdi.sagepub.com/internet.
- 24- Sarukhani, B. and Navidnia, M. (2006), "the social safety of family and residential place", Tehran, Refah research and science magazine, sixth year, No 22. (Persian).
- 25- Stanko, E. (1992), "The Case of Fearful Women: Gender, Personal Safety and Fear of Crime". Women Criminal Justice, vol. 4, pp. 35- 117.
- 26- Shirazian, F. (2004), "the sociological survey of the effects of police (police 110) on the rate of safety feeling on residents of the area NO 3 of Tehran" , M.A, thesise, sociology course, Azad Islamic University- Tehran shumal branch. (Persian).
- 27- Weaver, D. (2010), "Socital Security and Social Suport." Journals of Gerontology, Series B: Psychological and Social Sciences 61(1): S24-S34.

